



بازی های محلی هرمزگان

بازی گا ، گوساله ، پنیر ، پنج تیر- این بازی گروهی است که معمولا بین ۵ تا ۸ نفر برگزار می شود. وسایل بازی آن یک تکه زغال ، هسته تمر هندی ، یک تکه گچ ، یک هسته خرما می باشد.این بازی برای این روزهایی که بچه ها بخاطر کرونا در منزل به سر می برند مناسب و مفید است. و چون به صورت نشسته انجام می گیرد، می توان در یک اتاق انجام داد.روش بازی آن به این صورت است که تعدادی از بچه ها به صورت گرد دایره ای دور هم جمع می شوند ووسایل معرفی شده آن گا (یک تکه زغال) گوساله (یک هسته تمر) پنیر (یک تکه گچ) پنج تیر (یک هسته خرما) به همدیگر نشان می دهند. یکی از بچه ها اشیا را در دست گرفته و دست های خود را پشت سر برده و یکی از آنها درمشت خود می گیرد به طوری که بچه ها آن را نبینند. و دست خود را که که یکی از اشیا در آن پنهان است جلو می آورد و به یکی یکی بچه ها می گوید : گا ، گوساله : پنیر ، پنج تیر هر کدام از بچه ها در مورد سوال جوابی می دهند سرانجام پس از بچه ها، مشت خود را باز می کند و شیئی را به همه بچه ها نشان می دهد. هر کدام که درست گفته باشند، دو زانو می نشینند و با دست های خود دو انگشت بزرگ پاهای خود را محکم می گیرند و بچه ها او را به همین صورت بلند می کنند و تاجایی که دست هایش از انگشتان پایش جدا نشده سواری می دهند. هدف از این بازی بالا بردن قدرت تفکرو قدرت تصمیم گیری در بچه ها می باشد.

صبح ساحل // سمیره حنائی

بلند می خواند و زنانی که دورش حلقه زده اند بعد از او تکرار می کنند. ساز دایره شکلی، که به زبان محلی دایره نام دارد، دست به دست می شود. زنی که از همه جالفتاده تر است و صدای بهتری دارد، وسط نشسته است و از بقیه می خواهد همراهیش کنند. دختران کوچک و بزرگ، زنانی که بچه شان را در آغوش گرفته اند نیز به جمع می پیوندند. جایی برای خود پیدا می کنند، با فاصله کمی، پشت سرهم می نشینند. با شادی دست می زنند و بیت ها را تکرار می کنند. هرازگاهی بیت هایی خوانده می شود که همه را می خنداند. گاهی هم همه کل می کنند. عروسی در استان هرمزگان حال و هوای دیگری دارد. امکان ندارد که هرمزگانی باشی و صدای نی انبان، دهل و سِرنا از خود بی خودت نکند. انرژی و شادی در موسیقی هرمزگان موج می زند. رنگ و بوی مذهب نیز در فرهنگ بومی و عروسی هرمزگانی ها دیده می شود. سه شبانه روز جشن و پایکوبی، حجه بندی، موسیقی، ساز و رقص لوتی، مراسم خاص حنا بندان و زنانه و مردانه برگزار شدن عروسی ها در بیشتر مناطق استان، از ویژگی های عروسی در هرمزگان است. تصویرهای بسیاری تا به امروز از عروسی در هرمزگان منتشر شده اما به رسم های زنانه کمتر پرداخته شده است. دلپیش هم محدودیت و حساسیت در دیده شدن زنان بوده است. تفکری که همچنان در بسیاری از مناطق استان دیده می شود. «سری خوانی» رسمی کاملا زنانه است که بیشتر در بین زنان غرب هرمزگان دیده می شود. ردپای سُرّی را در عروسی ها، محفل های زنانه ای که تنها داماد برای لحظاتی اجازه ورود به آن را پیدا می کند، پیدا می کنی. مناسفانه هیچ منبع کتابخانه ای در مورد سِری خوانی وجود ندارد. آنچه می خوانید حاصل پژوهش میدانی نگارنده در مورد سِری خوانی در شهرستان بستک است.

سری (Sori) چیست

همیشه مردان نماد موسیقی و آواهای محلی هرمزگان بوده اند؛ شروند خوانی، آواز خوانی های صیاد و لنج سازان و موسیقی های محلی که در محفل ها و جشن ها خوانده می شود. اما در هرمزگان موسیقی هایی وجود دارد که رنگ و بوی زنانه دارد. کافی است سِری به یکی از محفل های شادی زنانه در بستک بزنی. «سُری» یکی از این نواها است. سُرّی به تک بیته هایی گفته می شود که در عروسی و جشن ها خوانده می شود. یک زن در وسط می نشیند، زنان دیگر گرداگردش و بیت ها یکی پس از دیگری ادا می شود. زن دیگری نیز دایره به دست، با ریتم خاصی همراهیش می کند. زنان



حاضر در جمع نیز با دست زدن به ریتم موسیقی جان می بخشد. معمولا آشنایان عروس و داماد با سِری های متفاوت با هم رقابت می کنند. هر طرف سعی در برتر نشان دادن طایفه خود دارد. توصیف عروس و داماد، دلتنگی برای عروس، توصیف ویژگی های خانواده عروس و داماد از معمول ترین موضوع های سری خوانی است. سری خوانی قدمت دیرینه ای در شهرستان بستک دارد. در گذشته سِری خوانی و دایره زنی تنها شیوه پایکوبی و شادی در عروسی ها محسوب می شد. در حال حاضر تنها در برخی نقاط شهرستان بستک سِری خوانی زنده نگه داشته شده است.

سری خوانی و مراسم عروسی در هرمزگان

سُری ها در عروسی ها و جشن ها خوانده می شود. عروسی در بیشتر نقاط

هرمزگان سه روز و سه شب به طول می نجا مد .

صبح ساحل فرهنگ

شنبه ۲۴ اسفند ۱۹۸۰ سال سی و پنجم | شماره ۴۰۰۴
Email : Info.Sobhesahel@Gmail.Com

سُری خوانی خیاگری زنانه



قدیمی بستکی بوده است. به دیدارش می روم. وقتی می گویم برایم سِری بخوان می خندد. می گوید یادش نیست. فراموش کرده است. می گوید: «قبلا عروسی ها صفای دیگری داشت. زنانی که سِری می گفتند کنار هم نشستند. دستشان را می گذاشتند زیر گوش شان. سِری را در گوش هم با صدای بلند می گفتند. اقوام داماد و عروس هر کدام سعی می کردند که خودشان را به رخ بکشند. جوان ها حالا چیزی از سِری نمی دانند. دیگر کسی به سِری خوانی اهمیتی نمی دهد. یادم هست ساعت ها در عروسی پشت سرهم سِری می خواندیم. یادش بخیر». چند سِری برایم می خواند اما معلوم است حافظه اش یاری نمی کند. می گوید یک نفر دیگر را پیدا کنم، او چیزی یادش نمی آید. بعد از تلاش بسیار برای یافتن کسی که سِری بداند، به روستای برکه لاری بستک رفتم. زنی را یافتیم که به سِری خوانی معروف بود. فاطمه گل زنی جوان و خوش مشربی بود. حافظه و ذوق خوبی داشت. به او گفتم می خواهم سِری را جمع آوری کنم. خوشحال شد و با اشتیاق سعی به یاد آوردن بیت ها کرد. هر آنچه می دانست را گفت و نوشتم. فاطمه گل ۵۰ تک بیته قدیمی، از زمانی کوچک بوده و هر آنچه خود در عروسی ها شنیده بود، را به یاد آورد. چند ماه بعد مطلع شدم که به دلیل سرطان پر کشیده و برای همیشه ترکمان کرده است. در واپسین روزهای زندگی اش چندین بار به من تلفن زد و هر آنچه را به مرور به یاد می آورد برایم می خواند. از همکاران و دوستانم در مورد سِری پرسیدم. مریم خانم راست می گفت، تا به امروز چیزی در مورد سِری نشنیده بودند. فهمیدم از مراسم عروسی بیشتر مناطق بستک حد ف

شده است. باید دیگر خیلی بایند به فرهنگ قدیم باشی تا در عروسی ها دایره بیاورند و مردم را سرگرم کند. سِری نیز مانند سایر ادب و رسوم گذشته مان زیر غبار فراموشی خواهد شد. این میراث زنانه که تا به امروز سخنی از آن به میان نیامده است، به زودی از فرهنگ بومی فاصله می گیرد و شکل جدیدی به خود می گیرد. دیوار پر زورق و سجاده، جایش را به سن های چندمتری شیک و رنگارنگ داده است. به جا آوردن رسوم گذشته نام واپس گرایی گرفته. ساله است که سایه تجملات بر سر عروسی ها سنگینی می کند. با این وجود زنانی که چین گذشت ایام بر چهره دارند، همچنان اصرار به پاسداشت آیین ها دارند. خیاگرانی که ساده و بی آرایش طعم شادی را چشیده و دیگران را در حس شان شریک کرده اند.

در شب اول، رسم بر آن بوده که عروس جامه سبز بر تن کند. پرده پشت سر عروس نیز با سجاده های زیبا، پارچه های سبز پولک دوزی شده که آیات قرآن و اسم های مذهبی بر آن نقش بسته بود، تزئین می شد. در برخی نقاط به جای دایره از تنبک استفاده می کردند

زبان محلی مردم شهرستان بستک با نام اُچمی شناخته شده است. به دلیل شباهت بسیار گویش اُچمی با زبان فارسی معیار برخی از اشعار سُری با گویش فارسی نیز ادا می شود که تنها برخی از واژه ها با معادل محلی آن جایگزین شده است. به نظر می رسد بخشی از سِری ها با شعرهای محلی استان فارس مشابه باشند و تفاوت تنها در گویش محلی است. به گفته ی یکی از دانش آموخته گان رشته تاریخ، نزدیکی شهرستان بستک و استان فارس و رفت و آمد بسیار از گذشته تاکنون به این استان، شاید دلیل انتقال این نوع لهجه در تک بیته های سِری باشد. البته در بین گویش های مناطق مختلف شهرستان بستک نیز تفاوت های جزئی دیده می شود. گویش هر روستا با روستای مجاور اندکی متفاوت است. همین موضوع باعث شده که برخی از بیت های مشابه با گویش ها و کلمات مختلف ادا شود. هر روستا با توجه به نوع ادبیات و کلماتی که استفاده می کنند یک بیت مشابه را تغییر داده اند.

سری در غبار فراموشی

آخرین باری را که در مراسم سِری خوانی شرکت کردم به یاد نمی آورم. مراسم عروسی نیز مانند سایر فرهنگ های هرمزگان رنگ و رویشان رفته و رنگ تازه ای به خود گرفته است.

سِری خوانی مربوط به دیروز و امروز نیست. این سنت دیرینه در غرب هرمزگان، نسل ها وجود داشته است. و خلاقیت بیشتری داشتند و این بیت ها را می سرودند و می خواندند. سِری تا به امروز و

نوشته و ثبت نشده است. تنها در عروسی ها خوانده و سینه به سینه منتقل شده است. از مادرم در مورد غروب سِری می پرسم. لبخند تلخی می زند و می گوید: «قدیما همیشه با سِری در عروسی ها جشن می گرفتیم. من دایره زدن بلد نبودم اما هرازگاهی سِری می خواندم. در برخی روستاها سِری خوان های ماهری بودند. البته الان دیگر از سِری خبری نیست. گروه های موسیقی جای سِری را گرفته. سلیقه مردم تغییر کرده. چون سِری نخوانده ایم یادمان رفته.» مریم خانم تقریبا ۷۵ سال دارد. او از سِری خوان های

عاروس بیری *قدبالای شاه دوماد همه زاغ و نمکِن / چشم دشمن کور بیشه که چون ستاره ی شفقن حناهای آماده شده بین آشنایان عروس پخش می شود. در شب دوم رسم بر این است که عروس لباس قرمز به تن کند. بخشی از حنای داماد به همراه سینی بزرگی که با پش (برگ نخل) تزئین شده است و هدیه های خانواده داماد که شامل لباس و طلا است به عروس تقدیم می شود.

روز سوم، عروسی در خانه داماد جریان دارد. عصر روز سوم زنان فامیل داماد سِری خوانان به خانه عروس می روند. دست داماد و عروس را در دست هم می گذارند. سرشان را به نشانه محرمیت سه بار برهم می زنند. با سِری به مادر عروس می گویند دخترش را می برند. سِری مشهور این روز «امشو گِلِم شِ بِرم جانِ دِلِم شِ بِرم» است.

*امشو گِلِم شِ بِرم جانِ دِلِم شِ بِرم / شِ بِرمِ ملی خانیا / امشو گِلِم شِ بِرم / شِدم برنج دم سیاه / جانِ دِلِم شِ بِرم / مماشون پدا چَش شِ بُگو / امشو گِلِم شِ بِرم / چَش و دِل چَش شِ بُگو / جانِ دِلِم شِ بِرم... زنان روستا عروس را سِری خوانان تا خانه داماد همراهی می کنند. معمولا این مسیر پیاده طی می شود. چادر سبزی بر سر عروس انداخته می شود تا چهره اش نمایان نشود. محتوای سِری های این روز، حسن و جمال عروس و داماد و خوشحالی از شروع زندگی جدیدشان است.

*عاروسِ قد بالا با هنرن حالا / چشم حسودان کور بگویند ماشالا *شاه دوماد پای تختین، خانم عاروس روی تخت / سوز و اون هرد و تاشون، گل بچیین از درخت *چشم چشم زاغ تو، مادر بنیمن داغ تو / عمر صدساله بیاری، گل بچیین از باغ تو *گفش سیاه پس بلند، مال عاروس قد بلند / همتون بُگوی ماشالا که چَش اِش کرد پسند

لهجه شناسی تک بیته های سِری

غرب هرمزگان (شهرستان بستک) به دلیل هم جوارِی با استان فارس، رگه هایی از شباهت را در پوشش قدیمی زنانه، نوع ریتم موسیقی و آوازاها و شعرهایش دارد. مثلا لباس محلی زنان غرب هرمزگان که با نام «شلوار گشاد» یا «نمنا گشاد» معروف است، شباهت بسیاری به لباس عشایر ترک زبان استان فارس دارد. رقص محلی دستمال بازی، با ریتم موسیقی زندی، و رقص سه پا که در برخی روستاهای شهرستان بستک دیده می شود، بی شباهت به رقص های عشایر استان فارس نیست. این شباهت ها در لهجه و موضوع تک بیته های سِری نیز دیده می شود. برخی سِری ها با لهجه شیرازی خوانده می شوند:

*چینگ چینگ ساز میاد از بالای شیراز میاد / شاه دوماد غم مخور که نومزادِت با ناز میاد *چهارتا طاق اند، چهار تا تالار، چهارتا برادرشهر لار / از میون چهاربرادر، شاه دوماد سایه دار *این برنج ریزه ریزه، غل غل آتش میاد / خانم عاروس کوچکن، سرشوم خائِش میاد *آسمون پرستاره تپله بازی می کنه / شاه دوماد توی حجه له بوسه بازی می کنه



مد فون خواهد شد. این میراث زنانه که تا به امروز سخنی از آن به میان نیامده است، به زودی از فرهنگ بومی فاصله می گیرد و شکل جدیدی به خود می گیرد. دیوار پر زورق و سجاده، جایش را به سن های چندمتری شیک و رنگارنگ داده است. به جا آوردن رسوم گذشته نام واپس گرایی گرفته. ساله است که سایه تجملات بر سر عروسی ها سنگینی می کند. با این وجود زنانی که چین گذشت ایام بر چهره دارند، همچنان اصرار به پاسداشت آیین ها دارند. خیاگرانی که ساده و بی آرایش طعم شادی را چشیده و دیگران را در حس شان شریک کرده اند.